

جایگاه تقلب در تحلیل ارکان جرائم متضمن تقلب

چکیده

تقلب مجموعه‌ای از اعمال و گفتارهایی است که در هر دو رکن مادی و روانی جرایم متضمن تقلب نقش ایفا می‌کند. در نظام کیفری ایران، تقلب در بسیاری از جرایم مالی و غیرمالی (مانند کلاهبرداری، جعل، سرقت، ورشکستگی به تقلب، تحصیل مال از طریق نامشروع، و تقلب در تهیه آثار علمی) نقش بنیادین ایفا می‌کند. این جرایم را می‌توان جرم متضمن به تقلب نامید. رفتار متضمن تقلب شامل اقداماتی برای گمراه کردن قربانی از طریق جا زدن یک امر تقلبی یا نادرست به جای یک امر درست، با هدف به دست آوردن منفعت مادی ناعادلانه برای خود و دیگری و ایراد ضرر به قربانی است. تقلب، در همه‌ی جرایم متضمن تقلب کارکرد یکسانی ندارد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و پس از تحلیل و بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع کتابخانه‌ای، جایگاه و نقش تقلب [فرب یا حيله] در رکن مادی و روانی جرایم متضمن تقلب مورد بررسی قرار گرفته و به این پرسش پاسخ داده شده است که این مؤلفه در رکن مادی و روانی این جرایم چه نقشی ایفا می‌کند؟ به موجب یافته‌های این پژوهش در جرایم جعل، تهیه و ترویج سکه‌ی قلب و تقلب در آثار فرهنگی-تاریخی، تقلب در قالب قلب حقیقت، در رکن مادی و در قالب علم به متقلبان بودن رفتار مجرمانه در رکن روانی، ایفای نقش می‌کند. در کلاهبرداری تقلب در گستره‌ی رکن مادی از طریق مانورهای متقلبان و فرب قربانی، شرط اصلی تحقق جرم است. در گستره‌ی رکن مادی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، تقلب از طریق سوءاستفاده از امتیازات یا توزیع غیرقانونی کالا محقق می‌شود. در بزه تقلب در تهیه آثار علمی، تقلب در جایگاه انگیزه مجرمانه و در سایر جرائم موضوع این پژوهش، تقلب علاوه بر ایفای نقش در تحقق رکن مادی بزه مربوطه، در رکن روانی در قالب علم به موضوع متقلبان و قصد انجام رفتار متقلبان ایفای نقش می‌کند.

واژگان کلیدی: تقلب، جرایم متضمن تقلب، قلب حقیقت، مانور متقلبان

مقدمه

متغیر تقلب در پدیده های حقوقی، نقش تعیین کننده ای دارد. برای مثال در حقوق مدنی^۱، در مواردی که توسل به حيله و تقلب موجب اغفال طرف معامله در انعقاد عقد یا اجرای یک تعهد می شود، مضمول عنوان تدلیس گردیده [ماده ۴۳۸ ق.م.ا.] و ضمانت اجرای آن، اختیار فسخ است. در حقوق عمومی، این متغیر در قالب عنوان مجرمانه تقلب در انتخاب و تقلب نسبت به قانون ظاهر می شود. تقلب نسبت به قانون در حقوق عمومی عبارت است از به کارگیری وسایل صحیح و قانونی برای رسیدن به اهداف و نتایج غیرقانونی [نامشروع] (کازمی فروشانی و قدیر، ۱۳۹۹: ۶۷). در حقوق بین الملل خصوصی، تقلب نسبت به قانون از مباحث مربوط به تعارض قوانین است و منظور از آن، گریز از قانون لازمالاجرای داخلی یا خارجی، همراه با تغییر ارادی عناصر وابستگی همچون تابعیت یا اقامتگاه است (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۲). در حقوق کیفری، متغیر تقلب هنگام تعریف جرم یا بیان عناصر ارکان مادی یا روانی جرم نقش ایفا می کند (Podgor, 1999: 731). برای مثال کلاهبرداری عبارت از بردن متقلبانه ی مال غیر یا بردن مال غیر از طریق توسل به وسائل متقلبانه است. در جرایمی مانند جعل، ورشکستگی به تقلب، جرایم انتخاباتی و جرایم گمرکی نیز با متغیری به نام تقلب مواجه هستیم. تقلب در حقوق کیفری، غالباً شامل تکنیک های فریبنده و تسلط فزاینده بزهکار بر متقاعدسازی بزه دیده است که نیت مجرمانه را با توانایی جلب اعتماد قربانی از طریق چندین عامل، از جمله تعاملات انسانی و قابلیت های پیشرفته برای دور زدن قوانین یا مقررات از طریق رفتار روزمره آنها ترکیب می کند و هدف نهایی آن، غالباً تصاحب غیرقانونی مال دیگری است (Mustafa Razzaq, 2023: 1295).

تقلب در امور کیفری مفهوم واحدی ندارد و در جرایم مختلف، جایگاه و نقش متفاوتی دارد (Podgor, 1999: 738). در این شاخه از حقوق، تقلب به سه صورت در تحقق عناوین مجرمانه نقش ایفا می کند؛ اول، از طریق گفتار، مانند سوگند و شهادت دروغ نزد مقام قضائی؛ دوم، همراه با رفتار ارتكابی، مانند جرایم تخدیش و تقلب در مسکوکات و تقلب در مواد خوراکی و کلاهبرداری؛ سوم، در اسناد و نوشتجات (عبدالملک، بی تا ج ۲: ۳۴۱).

در جرایم متضمن تقلب، اراده قربانی نقش مهمی در وقوع فرآیند فریب ایفا می کند؛ زیرا مرتکب او را به تحویل دادن مال خود هدایت می کند و قربانی با اراده خود در فرآیند وقوع جرم ایفای نقش می کند. البته این اراده، اراده ای معیوب است (مأمون و الشناوی، ۲۰۰۷: ۱۷). رکن اصلی اکثر جرایم

یقه‌سفیدان^۱ نیز تقلب است و نحوه برخورد نظام‌های حقوقی با این نوع جرایم، همچنان بحث برانگیز است (Podgor, 1999: 736; Buell, 2006: 1972). در کامن‌لا، متغیر تقلب در جرایم متضمن فریب، رکن اصلی این جرایم را تشکیل می‌دهد. جرم متضمن فریب^۲ شامل اقداماتی است که برای گمراه کردن قربانی از طریق جا زدن یک امر تقلبی یا نادرست به جای یک امر درست یا بالعکس با هدف تحصیل منفعت مادی ناعادلانه، برای خود یا دیگری و ایراد ضرر به قربانی انجام می‌شود (Dobriša, 2013: 271). شیوع این جرم از نظر تعداد و پیچیدگی افزایش یافته است، تا حدی که بیش از یک‌سوم جرایم گزارش‌شده در انگلستان و ولز را اشکال مختلف تقلب تشکیل می‌دهد و به نوعی به تهدید علیه امنیت ملی مبدل شده است؛ در نتیجه در این کشور مداخله‌ی حقوق کیفری در این زمینه، به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران تبدیل شده است (Collins, 2024: 265).

در قوانین و رویه قضایی ایران، گاه به صراحت از واژه تقلب استفاده شده و گاه به صراحت استفاده نشده است. به عنوان مثال در تعریف جرم کلاهبرداری، عبارت [توسل به وسایل متقلبانه] و در جعل، عبارت [به قصد تقلب] استفاده شده است؛ لیکن در خصوص جرم شهادت دروغ در دادگاه [ماده ۶۵۰ ق.م.ا.] از واژه حيله یا تقلب استفاده نشده است. علاوه بر آن برای جرایم متضمن فریب یا تقلب می‌توان به جرم سرقت [با عنایت به تعریف رویه قضایی]، ورشکستگی به تقلب [ماده ۶۷۰ ق.م.ا.]، تحصیل مال از طریق نامشروع [ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری]، تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی [بند و ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور]، تبانی برای بردن مال دیگری [مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند]، اختلاس توأم با جعل [تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری]، تدلیس در نکاح [ماده ۶۴۷ ق.م.ا.]، الصاق پلاک تقلبی [ماده ۷۲۰ ق.م.ا.]، تقلب در آثار فرهنگی-تاریخی [ماده ۵۶۶ مکرر ق.م.ا.]، تدلیس و تقلب در معاملات دولتی [ماده ۵۹۹ ق.م.ا.]، ترویج سکه قلب [ماده ۵۱۸ ق.م.ا.] تخدیش در مسکوکات [ماده ۵۱۹ ق.م.ا.]، معامله معارض [ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک]، استفاده متقلبانه از مزایای بیمه [ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۶۱ قانون بیمه شخص ثالث]، تقلب در تهیه آثار علمی [ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تهیه آثار علمی]، تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی و دارویی و بهداشتی

¹ White collar criminal offences

² Offences involving deception

[ماده ۱ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی]، تقلب در دریافت دسته چک [تبصره ۳ ماده ۶ قانون صدور چک] و ... اشاره کرد. تقلب در این جرایم معنای متفاوتی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

با توجه به ویژگی‌های جرایم متضمن تقلب و فقدان یک تعریف جامع و مانع از آنها در قوانین جاری، رویه قضایی و دکترین حقوقی ایران، نباید انتظار داشت که مقررات مربوط به این جرایم از یک سلسله ضابطه‌ها و فرمول‌های منطقی و مشخص و مورد توافق همگان پیروی کند و تفسیرها و تعبیرهای متفاوت در تحلیل آن بی تاثیر باشد. به این دلیل ابتدا به بررسی لغوی تقلب و حيله می‌پردازیم.

با توجه به اصل ۴ ق.ا.، در منابع فقهی، جرم مبتنی بر تقلب به معنای آنچه امروزه در جرایم جعل و کلاهبرداری مطرح است، وجود ندارد. لیکن مصادیقی از کلاهبرداری به معنای امروزی تحت عنوان «احتیال» در بخش تعزیرات فقهی مورد حکم قرار گرفته است. احتیال از ریشه «حال، حوالاً، حوولاً» به معنای دگرگون شدن و یا از «حال، حيله، محالاً» به معنای حيله و مکر کردن اخذ شده است (حبیب زاده، ۱۴۰۲ الف: ۲۷-۳۳). البته در فقه «حيله» به معنای دگرگون شدن و مکر و تزویر (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۸۱) دارای معنای وسیع‌تری از تقلب است. (کاظمی فروشانی و قدیر، ۱۳۹۹: ۷۰) و به‌رغم این‌که در اکثر موارد، استعمال آن در امور ناپسند است؛ (کاشانی، ۱۳۵۵: ۳۸) همواره به امری غیر مجاز اطلاق نمی‌شود (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴۶۳). بنابراین رابطه بین تقلب در حقوق کیفری و حيله در فقه اسلامی، عموم و خصوص مطلق است و وجه تمایز این دو نیز در موارد استعمال آن‌ها است؛ زیرا تقلب کیفری در تمام موارد، امری قبیح و مذموم است و به همین خاطر قانونگذار، ارتکاب اعمال متضمن تقلب را با شرایطی، جرم‌انگاری کرده است.

در متون انگلیسی معادل واژه تقلب، کلمه **fraud** و در زبان فرانسه، **la fraude** است. (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۵) در حقوق انگلستان واژه **fraud** در معانی بازنمایی دروغین و عامدانه از یک واقعیت، اعم از اینکه به وسیله گفتار یا رفتار باشد، با ادعاهای دروغین یا گمراه‌کننده، یا با پنهان کردن آنچه باید افشا شده باشد، به قصد دستیابی به یک حق به ظاهر قانونی، اما در عمل غیرقانونی یا دستیابی به چیزهای ارزشمند متعلق به دیگری به کار رفته است. (Henry Campbell Black, 1968: 788). با کنکاش در تمایز بین مفهوم **fraud** [تقلب] و **deception** [فریب] چنین به نظر می‌رسد که **deception** شامل دامنه وسیعی از رفتارهاست که ناصحیح جلوه دادن حقیقت، پایه و مبنای آن است و **fraud** رفتاری فریبکارانه است که به قصد کسب منفعت نامشروع و یا ورود ضرر به دیگری صورت می‌گیرد. با این توضیح، می‌توان فریب را ابزاری

برای تحقق تقلب دانست. همچنین در تمایز **fraud** و **dishonestly** [دروغ] باید گفت که تقلب، به نوعی همواره همراه با توسل به ابزار است و هدف و انگیزه در آن نامشروع است. رویه قضایی محاکم کشورمان نیز، صرف دروغ را تقلب نمی‌داند.^۱

تقلب در لغت به معنای دگرگون شدن، در کاری به سود خود و زیان دیگری تصرف کردن، نادرستی و دغل است (عمید، ۱۳۵۷: ج ۱: ۶۰۲) و در اصطلاح، به مجموعه اعمال و گفتارهایی اطلاق می‌شود که مرتکب با هدف و انگیزه‌ی نامشروع و با توسل به یک وسیله ظاهراً قانونی و مشروع، خود را از چارچوب قانون رها می‌سازد (ترکی، ۱۳۹۴: ۴). همچنین تقلب به مشتبه ساختن عمدی کسی نسبت به امری به منظور خوردن مال او تعریف شده است. بنابراین مکر، حيله، تزویر و ظاهرسازی‌هایی که منجر به این نتیجه شود، داخل در تعریف تقلب است (پاد، ۱۳۸۳: ج ۲: ۶). در نظام حقوقی فرانسه، ممکن است تقلب مالیاتی در قالب خودداری عمدی از اظهار یک درآمد محقق شود که شکلی ساده و منفی از تقلب است (پرادل و دانتی جوان، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

در این پژوهش نقش یا اثر تقلب در تحقق ماهیت جرایم مالی و غیرمالی، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. کلاهبرداری، جعل، سرقت، ورشکستگی به تقلب، تحصیل مال از طریق نامشروع، تقلب در دریافت دسته چک و تهیه و ترویج سکه قلب از جمله جرایم مالی هستند و تقلب در تهیه آثار علمی، تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی و دارویی و بهداشتی و تقلب در آثار فرهنگی-تاریخی ذیل جرایم غیرمالی قرار می‌گیرند. هدف از انجام این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که مؤلفه تقلب در هر یک از این جرایم به چه معناست و چه نقشی در تحقق رکن مادی یا روانی ایفا می‌کند؟

در حقوق ایران، در خصوص هر یک از جرایم متضمن فریب، به صورت مجزا، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ لیکن سازکارهای مناسب به منظور مقابله‌ی حداکثری با این پدیده وجود ندارد. به نظر می‌رسد به جز مقاله شش صفحه‌ای «تقلب در حقوق کیفری ایران» (ترکی، ۱۳۹۴: ۳-۸) که به افزایش نقش تقلب در تحقق جرایم گوناگون و افزایش تعیین پاسخ کیفری از سوی قانونگذار ایران می‌پردازد، تحقیق جامعی در خصوص تقلب و جایگاه آن در تحقق ارکان جرایم صورت نگرفته است. پژوهش‌هایی در خصوص جرایم متضمن تقلب صورت گرفته که به صورت محدود به نقش تقلب در تحقق یک رفتار مجرمانه می‌پردازد. در این خصوص می‌توان به مواردی

^۱. در خصوص برداشت قضات محاکم از مفهوم تقلب، آرا مختلف با تحلیل‌های متعدد مطرح است که نیازمند پژوهشی جداگانه است.

همچون «چالش‌های تقنینی و قضایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶» (آبابایی و اردلانی، ۱۴۰۲: ۲۰۵-۲۳۰) و «بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال بزه تقلب در مواد خوردنی» (عینی و خضایی، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۶۸) اشاره کرد. در این دو مقاله به ترتیب به چالش‌های تقنینی و قضایی و دلایل جرم‌انگاری و پاسخ‌کنشی و واکنشی قانونگذار نسبت به بزه خاص موضوع همان تحقیق پرداخته شده و تمرکز دقیق و جامعی بر تحلیل نقش تقلب در تحقق عنوان مجرمانه مورد تحقیق نشده است. در پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم تقلب، به تحلیل نقش تقلب در تحقق عناوین مجرمانه متعدد پرداخته شده که از این حیث، بدیع است.

۱. تقلب، متغیری در تحقق جرایم مالی

جرایم مالی مستقیماً با مالکیت افراد ارتباط دارد و علیه اموال صورت می‌پذیرد. در تحقق جرایم مالی متضمن فریب، تقلب نقش اساسی دارد، لیکن جایگاه و کارکرد تقلب در این دسته از جرایم یکسان نیست. در ادامه به بررسی جایگاه تقلب در این دسته از جرایم می‌پردازیم.

۱.۱. جرم کلاهبرداری

کلاهبرداری از زمره جرایم مرکب است و رکن مادی آن از عناصر و ارکان متعددی تشکیل شده است (حبیب زاده، ۱۴۰۲الف، ۷۰۳). در سیاست جنایی ایران از سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون مجازات عمومی، برخورد مجازات‌محور با کلاهبرداری اتخاذ شده است. (انجم شجاع، ۱۴۰۳: ۷۳) در متون فقهی، شخصی که با انجام رفتارهایی نظیر استفاده از مکر و حيله و خدعه و فریب، نامه‌های دروغین، شهادت زور و ... مال دیگری را ببرد، «محتال» نامیده شده و بر اساس نظر مشهور مستحق تعزیر است (حبیب زاده، ۱۴۰۲ب: ۲۹-۳۰). معادل کلاهبرداری در حقوق کشورهای عربی «الاحتیال» یا «النصب» است (حبیب زاده، ۱۴۰۲ب: ۲۳ و ۲۵) و آن عبارت است از تصاحب مال متعلق به غیر از طریق حيله و تقلب (حبیب زاده، ۱۴۰۲ب: ۲۸-۲۹؛ نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۲۱۱). در تعاریف دیگری از کلاهبرداری، به منقول بودن مال موضوع جرم اشاره شده است (أبوخطوه، ۱۹۹۴: ۱۹۴؛ عبدالستار، ۱۹۸۲: ۱۶۴). در تحقق بزه کلاهبرداری، تحریف حقیقت و اقدامات مزورانه به تنهایی کافی نیست و برخلاف جعل، بردن مال غیر موضوعیت دارد (هلل، ۱۹۹۳: ۱۴۱). در حقوق کشورهای کاملاً جرم مشابه جرم کلاهبرداری مانند آنچه در کشورهای رومی ژرمنی وجود دارد، مطرح نشده است؛ بلکه در این کشورها جرایم متضمن فریب [شامل کلاهبرداری و جرایم مشابه] مورد بحث قرار گرفته است (حبیب زاده، ۱۴۰۲ب: ۲۳ و ۵۱). در حقوق ایران، کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسلِ توأم با سوءنیت به وسایل متقلبانه (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۵۶؛ حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۰). تقلب در کلاهبرداری باید منجر به اغفال مالباخته شود تا در اثر آن مالش را با رضایت ظاهری [اما

مغشوش] به کلاهبردار تسلیم کند. در این جرم، وسیله [مانور] متقلبانه موضوعیت دارد و در صورتی که وسیله ارتکاب جرم، غیرمتقلبانه بوده یا مانور متقلبانه‌ای توسط مرتکب انجام نشود، اغفال واقع نشده و در نهایت کلاهبرداری محقق نخواهد شد. منظور از مانور متقلبانه، استفاده از یک اقدام عینی خارجی برای توجیه دروغ مورد ادعای کلاهبردار است؛ مانند استفاده از سند مجعول، شهادت دروغ، لباس خاص و نظایر این‌ها (حبیب زاده، ۱۴۰۲، ۱۱۵-۱۱۰؛ زین الدینی نیا، روح الامینی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

در این جرم، کلاهبردار با زیرکی و دغل کاری موجب فریب و اغفال بزه‌دیده شده و قربانی جرم، با طیب خاطر اموال خود را به کلاهبردار تسلیم می‌کند. در ماده ۱ قانون تشدید مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری هم به حیله و هم به تقلب اشاره شده است. از نظر حقوقی، حیله و تقلب، انجام اقداماتی مادی برای اغفال دیگری است که ماهیت اصلی آن‌ها دروغ است (حبیب زاده، ۱۴۰۲، ۸۶). مانورهای متقلبانه‌ی جرم کلاهبرداری به صورت عمدی و از طریق فعل مثبت^۱ صورت می‌پذیرند و ارتکاب تقلب موضوع جرم کلاهبرداری از طریق ترک فعل^۲ یا دارا بودن وضعیت^۳ یا حالت^۴ خاص منتفی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶۰؛ حبیب زاده، ۱۴۰۲، ۸۲-۷۶؛ آریامنش، ۱۳۸۹: ۶۷). باید توجه داشت که هرچند تقلب در جرم کلاهبرداری متضمن نوعی دروغ است، صرف دروغ، تشکیل دهنده‌ی تقلب مورد نظر در جرم کلاهبرداری نیست (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۶۵؛ حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۱). در چنین مواردی ضمانت اجرای تقلب بیشتر جنبه مدنی دارد. در قلمروی رکن روانی جرم کلاهبرداری، تحقق این جرم، علاوه بر قصد توسل به وسائل متقلبانه، منوط به علم به متقلبانه بودن وسیله ارتکاب است (حبیب زاده، ۱۴۰۲، ۲۶۲-۲۵۹).

۲.۱. جرم سرقت

سرقت، کلمه عربی از ماده سَرَقَ و به معنای برداشتن چیزی از کسی با حیله و تقلب و فریب (معلوف، ۱۳۶۴: ۳۳۱) یا به نحو مخفی و پنهانی است (ابن فارس، ۱۳۶۶: ۱۵۴). در لغت فارسی نیز سرقت به معنای دزدی کردن است (معین، ۱۳۸۱: ۸۵۱). بر اساس ماده ۲۶۷ ق.م.ا.: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.» بسیاری از حقوق‌دانان، تعریف ارائه شده در ماده ۲۶۷ را به عنوان تعریف کلی بزه سرقت اعم از حدی یا تعزیری پذیرفته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۲۴۷)؛ در حالیکه تعریف کلی سرقت عبارت است از ربودن متقلبانه شیء منقول متعلق به دیگری (پاد، ۱۳۴۹-۱۳۵۰:

¹ Action

² Omission

³ Situation / Condition

⁴ State

۳؛ حبیب زاده، ۱۴۰۳: ۳۳؛ حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۲۲). در منابع حقوقی نظام کامن لو، سرقت ذیل جرایم متضمن فریب دسته بندی نشده (Elliot & Quinn, 2010: 193; Jacqueline & Storey, 2013: 417)، لیکن برخی نویسندگان حقوقی در تعریف ارائه شده از سرقت، به متقلبانه بودن آن اشاره کرده‌اند. (Hampton, 1968: 47) البته ماهیت تقلب در جرم سرقت با ماهیت تقلب در جرایم کلاهبرداری و جعل متفاوت است؛ زیرا در جرایم کلاهبرداری و جعل، به نوعی دگرگونی یا قلب حقیقت وجود دارد، در حالیکه در سرقت اینگونه نیست. در جرم سرقت، متقلبانه بودن به معنای عدم رضایت و عدم توجه مالباخته به بردن مال است که از خصوصیات مالباخته است (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۲۲ و ۲۵). به همین دلیل ماده ۱۹۷ ق.م.ا. سابق، سرقت را ربودن مال دیگری به صورت پنهانی تعریف کرده بود. برخی نویسندگان بر این نظرند که در فرضی که رفتار مرتکب به صورت پنهانی و مخفی ارتکاب نیابد، رفتار مشمول عنوان سرقت قابل بررسی نیست (پورقهرمان، ۱۳۸۹: ۱۰). در مقابل گفته می‌شود که به‌رغم اینکه اکثر سرقت‌ها در خفا ارتکاب می‌یابند، لیکن مخفیانه بودن در همه اقسام سرقت شرط تحقق نیست (Dülger, 2014: 75). به عنوان مثال در بحث کیف‌قاپی یا سرقت مقرون به آزار، در فرض انتفای شرط مخفیانه بودن نیز این جرایم به وقوع خواهند پیوست. صحیح آن است که قید پنهانی بودن را شرط لازم جهت تحقق سرقت در نظر نگیریم؛ والا با توجه به مصادیق کثیری که سرقت، پنهانی نیست با تخصیص اکثر مواجه خواهیم شد که در علم اصول، امری باطل است (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۲۲). قدر متیقن از تقلب در بزه سرقت مال، عدم رضایت مالباخته است.

۳.۱. جرم سرقت رایانه‌ای

به موجب ماده ۱۲ قانون جرایم رایانه‌ای [۱۳۸۸]، ربودن داده‌های متعلق به دیگری، اعم از این که پس از ربودن داده‌ها عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باقی بماند یا خیر، سرقت رایانه‌ای نامیده شده است. موضوع جرم سرقت رایانه‌ای، داده یا مال و خدمات در بستر داده‌های رایانه‌ای است (Brenner: 2004: 9). در رکن قانونی این بزه، از ربودن داده‌های متعلق به دیگری سخن به میان آمده است. فارغ از موضوع جرائم سرقت رایانه‌ای و سرقت سنتی، تعریف قانونی این دو جرم در بیان رفتار مجرمانه [ربودن] مشابه است. در خصوص هر دو بزه، تقلب نسبت به مالک یا مالباخته عبارت از عدم رضایت او [بنا بر قول مشهور] به بردن مال [یا داده‌های] متعلق به دیگری است (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۲۲ و ۲۵). عدم رضایت شرط اجماعی ولیکن عدم آگاهی مالباخته شرط اختلافی است. بنابراین ربایش یعنی اثبات ید بر شیء [اعم از مال یا داده یا ...] بدون رضایت صاحب آن. نتیجه اینکه تقلب مورد نظر در بزه سرقت رایانه‌ای و سنتی از یک جنس است و

تفاوت آنها در موضوع این دو جرم [مال یا داده] است که موجب تغییر در ماهیت تقلب در تعریف آنها نمی‌شود. در صورتیکه مالباخته به بردن مال [یا داده] توسط سارق رضایت داشته باشد، به تبع آن قصد ارتکاب رفتار به صورت غیرمجاز وجود ندارد و عمل سرقت نیست.

۴.۱. جرم ورشکستگی به تقلب

ورشکستگی به تقلب نیز از زمره جرایم علیه اموال و نوعی تحصیل نامشروع مال غیر است که به موجب ماده ۵۴۹ قانون تجارت و ماده ۶۷۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است. در ورشکستگی به تقلب، تاجر از طریق توسل به تقلب درصدد بر می‌آید تا مقداری از اموال خود را به ظاهر از بین ببرد. "ورشکسته به تقلب در حقیقت ورشکسته نیست، بلکه به منظور اضرار به طلب‌کاران به طور غیرواقعی خود را ورشکسته وانمود می‌کند" (فضلعلی، ۱۳۹۸: ۵۳). به همین دلیل در رأی اصراری شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۴۹/۲/۲۶ آمده است: «... ورشکستگی به تقلب نوعی کلاهبرداری است...». فارق اصلی کلاهبرداری و ورشکستگی به تقلب، تقدم و تأخر توسل به وسایل متقلبانه بر بردن مال غیر است. در کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه مقدم بر بردن مال غیر صورت می‌گیرد؛ لیکن در ورشکستگی به تقلب، توسل به تقلب مؤخر بر تحصیل مال انجام می‌شود. بنابراین اگر شخصی از ابتدا به قصد بردن مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار است؛ لیکن اگر تاجر بعد از تحصیل اموال مردم، با توسل به تقلب از بازگرداندن اموال به صاحبان آنها خودداری کند، مشروط بر ارتکاب رفتار در قالب یکی از اعمال مذکور در ماده ۵۴۹ قانون تجارت، مرتکب ورشکستگی به تقلب گردیده است (فضلعلی، ۱۳۹۸: ۵۴). تفاوت تقلب، در جرم اخیر با تقلب در سایر جرایم از قبیل سرقت و جعل و کلاهبرداری در این است که در جرایم اخیرالذکر قانونگذار مصادیق تقلب را مشخص نکرده است و مفهوم تقلب در آنها یک مفهوم کلی است که با اصول حقوقی و تطبیق مصداق با ماده قانونی قابل تشخیص است؛ اما در ورشکستگی به تقلب قانونگذار در ماده ۵۴۹ ق.م.ا. چهار مصداق حصری تقلب را بیان کرده است. این تقلبها عبارتند از: مفقود کردن دفاتر، مخفی کردن قسمتی از دارایی، از بین بردن قسمتی از دارایی به طریق مواضعه یا تبانی، افزایش متقلبانه بدهی تاجر [به وسیله اسناد، صورت دارایی و قروض]. رفتار مجرمانه این جرم در اغلب موارد فعل مادی مثبت و در برخی موارد نادر [از جمله اخفای دارایی]، ترک فعل است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۵۸). از لحاظ بررسی رکن روانی بزه ورشکستگی به تقلب نیز باید توجه داشت که سوءنیت عام در جرم ورشکستگی به تقلب به این معنا است که تاجر ورشکسته بخواهد یکی از تقلبهای مذکور

در ماده ۵۴۹ قانون تجارت را مرتکب شود. برخی معتقدند: «برای تحقق جرم ورشکستگی به تقلب سوءنیت عام کفایت می‌کند» (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۶۵). نظر مخالف این است که سوءنیت خاص در ورشکستگی به تقلب، قصد اعلام توقف برای عدم استرداد مطالبات طلبکاران است (حبیب زاده، ۱۴۰۲: ۳۸۱). این اختلاف نظر تغییری در ماهیت تقلب و لزوم علم به متقلبانه بودن اقدامات و قصد توسل به تقلب ایجاد نمی‌کند. بنابراین در جرم ورشکستگی به تقصیر نیز تقلب در قالب هر دو رکن مادی و روانی قابل بررسی است.

۵.۱. جرم تحصیل مال از طریق نامشروع

به موجب ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد ... در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید، مرتکب «تقلب» شود و ... وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، ... مجرم محسوب ... خواهد شد». یکی از جرایمی که در این ماده مورد حکم قرار گرفته، تحصیل مال از طریق تقلب در توزیع کالاهایی است که باید طبق ضوابط خاصی توزیع شوند. در این جرم، نامشروع بودن طریق تحصیل مال، به علت تقلب در توزیع کالاها است. بنابراین تقلب در این جرم عبارت از هر گونه اقدامی است که خارج از ضوابط مقرر برای توزیع کالاهای مشمول ماده مذکور توسط مرتکب صورت می‌پذیرد (فروتن و اکبری، ۱۳۹۷: ۱۳۴). قصد ارتکاب افعال مورد نظر و علم به خلاف قانون بودن این نوع اقدامات برای تحقق جرم ضروری است (حبیب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۵، ۱۵-۱۴).

برخی از نویسندگان معتقدند که نظر به اینکه اولاً در عنوان قانون، به جرم تحصیل مال از طریق نامشروع به صورت مستقل اشاره نشده است و صرفاً جرایم ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، بیان شده‌اند و از طرف دیگر ماده ۲ بلافاصله پس از رکن قانونی جرم کلاهبرداری آمده و همچنین هر دو جرم مقید به تحصیل مال هستند، فلذا جرم موضوع ماده ۲ نوع خاصی کلاهبرداری است و علاوه بر موارد گفته شده در این ماده، شرایط ماده ۱ این قانون از جمله مانور متقلبانه، جهت تحقق این جرم ضروری است (فربه‌بخش، ۱۳۸۸: ۲۹۷-۲۹۸)؛ لیکن نظر اخیر محل تردید است (باقرزاده گان و میرزایی، ۱۳۹۲: ۸۵) و نباید جنس تقلب مذکور در ماده ۱ و ۲ قانون تشدید را یکسان دانست. جرم موضوع ماده ۲ مربوط به اشخاص خاص با شرایط خاص است و تفسیر درست این ماده آن است که ذیل ماده را با لحاظ صدر ماده مورد توجه قرار دهیم. تفسیر موسع

از این ماده منجر به مجرمانه دانستن طیف وسیعی از رفتارها خواهد شد (حبیب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۵؛ رحمدل، ۱۳۹۶: ۹۰-۸۹).

۶.۱. جرم تهیه و ترویج سکه قلب

این جرم شامل ساختن، وارد کردن، خرید و فروش و ترویج سکه تقلبی است که در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۲ ق.م.ا کتاب پنجم تعزیرات پیشبینی شده است. وفق ماده ۵۱۸ قانون اخیرالذکر، پول‌ها و ارزهایی از قبیل لیره نیز می‌تواند موضوع این جرم باشد. همچنین تخدیش [به معنای کاستن] مسکوکات طلا و نقره به قصد تقلب نیز ذیل عناوین مجرمانه این فصل قرار می‌گیرد. وارد کردن سکه‌های شبیه سازی شده، ساختن یا خرید و فروش این نوع مسکوکات و در نهایت ترویج سکه‌های تقلبی، تشکیل دهنده‌ی رکن مادی این دسته از جرایم است که وقوع تقلب در آنها تصریح شده است. علم به متقلبانه بودن موضوع جرم و اراده‌ی انجام این دسته از رفتارهای متقلبانه به عنوان سوءنیت عام، تشکیل دهنده رکن روانی بزه تهیه و ترویج سکه‌های تقلبی است. مقصود از ترویج مسکوکات تقلبی، عمل هر شخصی است که با علم به تقلبی بودن سکه، آن را در جریان معامله قرار داده و به دیگری ارائه می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۴۷۰). تحقق بزه تخدیش مسکوکات طلا و نقره، بنا به تصریح ماده ۵۱۹ نیازمند سوءنیت خاص است که در قالب داشتن قصد تقلب انجام می‌پذیرد. در این خصوص اگرچه قصد تقلب تنها در ماده ۵۱۹ مورد اشاره قرار گرفته، لیکن تمامی جرایم مذکور در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ [ساخت سکه تقلبی، تخدیش، وارد کردن سکه قلب و مخدوش] نیازمند سوءنیت خاص [قصد ضرر] هستند (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۵۷۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۱۵-۴۰۲). برخی نویسندگان برای توجیه این نظر، قلب سکه را نوعی از جعل دانسته‌اند و قواعد و اصول کلی جعل را در آن مجری فرض کرده‌اند (سالاری، ۱۳۸۶: ۲۵۶). پذیرش این نظر با فرض قائل بودن به کفایت ضرر بالقوه [موضوعی که در جعل نیز به آن اشاره شد] صائب است؛ به شرط آنکه علم به ضرر را جاری مجرای قصد ضرر بدانیم.

۷.۱. جرم تقلب در دریافت دسته چک

به موجب ماده ۶ قانون صدور چک [اصلاحی ۱۴۰۰]، سازکاری جهت ارائه دسته چک توسط بانک‌ها به متقاضیان تعریف شده و طبق تبصره ۳ همین ماده، تقلب در دریافت دسته چک جرم انگاری شده است. این تبصره در سال ۱۳۹۷ و پیش از اصلاح صدر ماده در سال ۱۴۰۰ وضع

شده است. در گستره رکن مادی این بزه، توسل به شیوه‌های متقابلانه [مانند استفاده از سند مجعول، سوء استفاده از هویت غیر، جعل امضا و هر اقدام متقابلانه دیگر] جهت ارائه وضعیتی ناصحیح از وضعیت مالی و اعتباری متقاضی دریافت دسته چک موضوعیت دارد. این اقدامات باید به گونه‌ای باشد که بانک را نسبت به احراز صلاحیت متقاضی برای دریافت دسته چک به اشتباه بیندازند. در قلمروی رکن روانی، علم به متقابلانه بودن شیوه‌های مورد استفاده و قصد بهره‌گیری از آن لازم است.

۲. نقش تقلب در تحقق جرایم غیرمالی

اگرچه تقلب، غالباً در تحقق جرایم مالی نقش دارد، اما در تعدادی از جرایم غیرمالی نیز موثر است و نقش اساسی در تحقق جرایم مذکور دارد. در این بخش به تفکیک، به تحلیل جایگاه تقلب در تحقق جرایم غیرمالی می‌پردازیم.

۱،۲. جرم جعل و تزویر

در زبان عربی «جعل» به معنای وضع و نهادن، انجام دادن، آفریدن، نام نهادن، نشان دادن، بزرگ داشتن، بزرگ گردانیدن، دگرگون ساختن، ساختن و نهادن، گردانیدن و آغاز کردن و گذراندن (محقق، ۱۳۹۱: ج ۵: ۱۷۱-۱۶۸) و تزویر از باب «تفعیل» و مشتق از ثلاثی مجرد «زور» به معنای باطل و کذب (أبو حیب، ۱۴۰۲، ۱۶۱)، آراستن و برپای داشتن چیزی و نیز مکر و فریب‌کردن و بیاراستن دروغ (طریحی، ۱۴۱۴: ج ۳: ۳۹۱)، نفاق و حيله و در معنای عام به معنای تغییر حقیقت به هر وسیله، اعم از قول و کتابت، آراستن و برپای داشتن چیزی و تقلب و کلاهبرداری آمده است (سیاح، ۱۳۷۷: ج ۱: ۷۹۰). بنابراین جوهر و ماهیت تزویر، دروغ است که برای گمراه کردن دیگری از حقیقت امر و انحراف عقیده او به کار می‌رود (أبو عامر و القهوجی، بی تا: ۴۲۵). از نظر حقوقی، جعل به فتح جیم به معنای تزویر و مزور به معنای جاعل آمده که همه آنها به معنای ساختن امری از روی قصد برخلاف واقع، مانند سند مجعول و مانند آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۹۴).

در فرهنگ لغات فارسی، جعل به معنای «ساختن، وضع کردن، زشتی را نیکو گردانیدن، دگرگون کردن و از عدم به وجود آوردن...» (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۵: ۶۸۳۵) و تزویر به معنای «آراستن دروغ، مکر و فریب کردن، نفاق و غدر و حيله و...» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۴: ۵۸۷۱). لغات مترادف دیگری برای تزویر وجود دارد که از جمله می‌توان به حيله، تقلب، خدعه، کید، مکر،

تدلیس و غش اشاره کرد که در برخی از جرایم، از جمله کلاهبرداری هم کاربرد دارند (حبیب زاده، ۱۴۰۲: ب: ۲۳).

جعل در زبان فرانسه در مقابل واژه (Faux) و در زبان انگلیسی با اصطلاح (Forgery) استفاده شده است و منظور از آن ساختن مزورانه یا متقلبانه سند یا نوشته به زیان دیگری و یا ساختن سند با قصد و به منظور تقلب است. قانون کیفری فعلی فرانسه مصوب ۱۹۹۲ که در ماده ۴۴۱-۱ جعل را تعریف نموده، به صراحت «تغییر متقلبانه حقیقت» را شرط تحقق جرم جعل دانسته است و مقرر کرده است: «جعل عبارت است از هرگونه تغییر متقلبانه حقیقت که طبعاً بتواند ضرری را ایجاد کند».

جرم جعل از آن جهت که شامل نوعی تحریف حقیقت و توسل به حيله و تقلب است، از جرایم متضمن فریب است. قانون‌گذار ایران، از این جرم تعریفی ارائه نکرده است (کامفر، ۱۴۰۰: ۵۲۱؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۲۷۷)؛ لیکن در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. ۱۳۷۵ مصادیق مهم رفتار مجرمانه آنرا بیان کرده و سپس در مواد ۵۲۴ الی ۵۴۰ و برخی مواد دیگر، اقسام مختلفی از جعل را جرم‌انگاری کرده است. حقوق‌دانان جعل را «قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری» تعریف کرده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۴).

هرچند برخی نویسندگان، تزویر را در معنای جعل مفادی به کار برده‌اند و استعمال فعل جمع در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. را دلالت بر استقلال تزویر از جعل دانسته‌اند (مصلاهی، ۱۳۹۱: ۳۰۵-۳۰۴)؛ لیکن این برداشت محل تامل و تردید است؛ چنانکه قانونگذار در ماده ۵۳۲ ق.م.ا. جعل مادی اسناد و اوراق رسمی توسط کارمندان و مسئولان دولتی را تزویر نامیده است. در حقوق کشورهای عربی، از جمله ماده ۴۵۳ قانون مجازات لبنان و ماده ۴۴۳ قانون مجازات سوریه، حکم راجع به این موضوع با عنوان تزویر بررسی شده و آن عبارت از قلب حقیقت در نوشتجات به منظور ایجاد ضرر [مادی، معنوی یا اجتماعی] است (حبیب زاده، ۱۴۰۴: ۴۰).

در جرم جعل، مشتقات قلب در دو جا استفاده شده است: اول، قلب حقیقت در رکن مادی، دوم، قصد تقلب در رکن روانی (حبیب زاده، ۱۴۰۴: ۷۲). قلب حقیقت و قابلیت فریب، از عناصر لازم جهت تحقق تقلب در رکن مادی بزه جعل دانسته شده است (شاکری و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). قلب حقیقت در گستره رکن مادی عبارت است از ساختن غیر واقعی نوشته یا سند یا چیز دیگری یا ایجاد تغییر در اشیاء موجود است (حبیب زاده، ۱۴۰۴: ۷۳-۶۸؛ کامفر، ۱۴۰۰: ۵۲۱). در بزه جعل، خواه در سند یا نوشته موجود تقلب صورت گیرد و خواه به صورت غیر واقعی سند یا نوشته ایجاد گردد، تغییر حقیقت رخ می‌دهد و از این منظر رکن مادی بزه جعل با تقلب گره می‌خورد (حبیب زاده،

۱۴۰۴: ۷۲؛ ناصری پور، ۱۳۹۹: ۱۳۸). تقلبِ مورد نظر در جرم جعل، از نظر دگرگونی و تغییر حقیقت، درجه‌ای بالاتر از صرف کذب و دروغ‌گویی دارد؛ به همین دلیل اگر کسی در حین درج مشخصات خود در برگه استخدامی سن خود را غیر واقعی وارد کند، مرتکب جرم جعل نشده است (کامفر، ۱۴۰۰: ۵۲۳). برخی معتقدند هر جعلی مستلزم قلب حقیقت نیست و چنانچه شخص الف چکی را در وجه شخص ب با مبلغی کمتر از میزان بدهی خود صادر کند و شخص ب با دستکاری در چک، مبلغ واقعی بدهی را در آن درج نماید، باز هم موضوع مشمول جرم جعل قرار می‌گیرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۲۷۸؛ حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸: ۶۱). در واقع دو نوع حقیقت در اینجا وجود دارد: ۱. میزان بدهی واقعی؛ ۲. مبلغ مندرج در چک. چه بسا اراده صادرکننده چک به پرداخت دین به میزان مبلغ مندرج در چک از طریق صدور چک و پرداخت مابقی به نحو دیگر یا تهاتر آن با دین دیگر و یا امور دیگر تعلق گرفته باشد. بنابراین، تقلب در جعل، در قالب تغییر یا تحریف واقعیت یا وارونه نشان دادن حقیقت بروز می‌یابد (نجیب حسنی، ۱۹۹۲: ۲۱۸). در هر دو نوع جعل مادی و مفادی تقلب وجود دارد، لیکن در جعل مادی، سند اصلی موجود است و سپس قلب حقیقت در آن ایجاد می‌شود، لیکن در جعل مفادی تقلب، همزمان با تنظیم سند یا نوشته نسبت به حقیقت واقع می‌شود.

علاوه بر قلب حقیقت، در انتهای ماده ۵۲۳ ق.م.ا. عبارت «به قصد تقلب» آمده است. از آنجا که جعل و تزویر، جرمی عمدی است؛ لذا سوءنیت عام آن عبارت است از اراده آگاهانه [قصد] او به انجام رفتار مجرمانه (قلب حقیقت) از طریق ساختن نوشته و سند یا تخدیش در آنها، ساختن مهر یا امضا و سایر مصادیق رفتارهای تشکیل دهنده جرم، همراه با علم [موضوعی] او به قلب حقیقت. یعنی جاعل با علم و اطلاع از این که حقیقتی را قلب می‌کند، اقدامات خود [قلب حقیقت] را انجام می‌دهد. تعلق اراده به انجام تقلب و علم به متقلبان بودن اقدام ارتكابی در بزه جعل، شرط تحقق رکن روانی بزه جعل است. جعل با تقلب همراه است و تصور جرم جعل بدون قصد ارتكاب تقلب ممکن نیست (Abdul Hadi And Paino, 2016: 93). همچنین برخی عبارت قصد تقلب مذکور در ماده ۵۲۳ را نه صرفاً به رکن روانی، بلکه به نتیجه و قصد نتیجه نیز مرتبط دانسته، معتقدند از این عبارت می‌توان رکن ضروری بودن جعل را احراز کرد (نادری و آزادی، ۱۴۰۱: ۴۲۸).

تقلب مورد نظر در جرم جعل را می‌توان در سه حالت مورد بررسی قرار داد:

اول، رکن مادی؛ منظور از آن عملیات قلب حقیقت [خواه در جعل مادی و خواه در جعل مقادی] در سند [خواه عادی و خواه رسمی] است.

دوم، رکن روانی؛ از آنجا که سوءنیت عام جرم جعل داشتن قصد [اراده] انجام رفتار مجرمانه است و از طرف دیگر یکی از اجزای رکن مادی جرم جعل، قلب حقیقت است؛ بنابراین علم به متقلبان بودن موضوع جرم در رکن روانی باید مورد توجه باشد.

سوم، نتیجه مجرمانه جرم جعل، یعنی مؤلفه ضرر، صرف نظر از اختلاف نظرهای دکترین حقوقی در مورد بالقوه (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۳۳۳) یا بالفعل بودن آن، امری است که به هر رو لزوم قصد ایراد ضرر به عنوان سوءنیت خاص را در پی دارد.

۲.۲. جرم جعل رایانه‌ای

جعل رایانه‌ای جرمی است که صحت داده‌ها را تهدید می‌کند (بابایی، ۱۳۹۹: ۹۷). قانون‌گذار در ماده ۷۳۴ ق.م.ا. ۱۳۷۵، در دو بند رفتارهایی را تحت عنوان جعل رایانه‌ای، جرم‌انگاری کرده است. بند اول، تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده به آن‌ها، بند دوم، تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبان داده‌ها یا علائم به آن‌ها.

قلب حقیقت در داده‌های رایانه‌ای، اصلی‌ترین جزء رکن مادی جرم جعل رایانه‌ای است (فناد، ۱۳۹۰: ۸۶). عبارت «متقلبان بودن» که در انتهای بندهای الف و ب ماده مذکور متصل به عبارت «وارد کردن» آمده است، صرفاً خصیصه رفتار وارد کردن محسوب نمی‌شود و شامل هر سه قسم رفتار [تغییر یا ایجاد یا وارد کردن] می‌شود (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۰۳؛ عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۸). بنابراین ویژگی متقلبان بودن بیانگر وجود قصد در انجام هر سه رفتار مذکور است. برخی نویسندگان بر این باورند که در محتوای این رفتارها، معنای تقلب مندرج است و نیازی به اشاره ویژگی متقلبان در بندهای الف و ب ماده ۷۳۴ وجود ندارد (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۰۳؛ عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۸). به تعبیر دیگر، اقداماتی همچون تغییر یا ایجاد داده به طور غیرمجاز، به خودی خود نوعی قلب حقیقت است. چنین استدلالی مورد تردید است و با پذیرش آن، این اشکال در خصوص قید (قصد تقلب) در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. مطرح می‌شود. البته تقلب ورد نظر در ماده ۷۳۴، تقلب نسبت به داده‌های قابل استناد است (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۰۳). نظر به اصل عمدی بودن جرایم [در مرحله تقنین و نه در مرحله قضا] و اینکه تقلب یکی از اجزای تشکیل‌دهنده رکن مادی بزه جرم جعل رایانه‌ای است؛ بنابراین علم نسبت به تقلب و همچنین قصد تقلب [اراده تغییر حقیقت] در تحقق بزه جعل رایانه‌ای ضروری است. برخی معتقدند نظر به مطلق بودن بزه جعل رایانه‌ای، قصد تقلب نه به عنوان سوءنیت خاص، بلکه به عنوان انگیزه یکی از اجزای رکن روانی این جرم را تشکیل می‌دهد.

(منصور بستانی، ۱۴۰۱: ۱۱۳)؛ لیکن باید دقت داشت، محل اعتبار سوءنیت خاص و نتیجه متفاوت است. سوءنیت خاص مقوله‌ای روانی و معنوی است که در رکن روانی مورد بحث قرار می‌گیرد و نتیجه‌ی مجرمانه مقوله‌ای عینی است که در رکن مادی مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین ارتباطی بین مطلق بودن جرایم و فقدان سوءنیت خاص برای تحقق جرم تام وجود ندارد. فلذا در ما نحن فیه، قصد تقلب نه به عنوان انگیزه، بلکه به عنوان سوءنیت خاص قابل بررسی است. قدر متیقن از دو اختلاف نظر، اینکه چه قصد تقلب را انگیزه و چه سوءنیت خاص بدانیم، وجود آن جهت تحقق جرم مدکغور ضروری است؛ چنانکه در رکن قانونی این بزه نیز به لزوم وجود قصد متقلبانه، صرف نظر از ماهیت آن تأکید شده است.

۳،۲. جرم تقلب در تهیه آثار علمی

در تهیه آثار علمی به موجب قانون پیشگیری و مقابله با تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ جرم انگاری شده است. آنچه در ماده واحده‌ی قانون مذکور مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است تهیه، عرضه یا واگذاری آثار علمی از قبیل رساله، مقاله، کتاب و نظایر آنهاست. در این جرم مرتکب بدون سرقت ادبی مطالب دیگران، واقعاً از توان علمی خود استفاده کرده و رساله یا مقاله علمی پژوهشی و نظایر آنها را برای سفارش‌دهنده تهیه می‌کند. البته ممکن است تهیه‌کننده، آن را از طریق سرقت ادبی تهیه کرده باشد. در حالت اخیر، رفتار تهیه‌کننده مشمول تعدد جرم می‌شود (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۶). عدم صداقت علمی به عنوان معضلی برای جوامع دانشگاهی است که خدشه به ساحت علم را به دنبال دارد. جرم مورد بحث اگرچه از جرایم مطلق است، لیکن نیازمند قصد انتفاع به عنوان سوءنیت خاص است و لازمه تحقق جرم آن است که مرتکب، رفتارهای مورد نظر [تهیه، عرضه یا واگذاری آثار علمی] را شغل یا حرفه خود قرار دهد. بنابراین اگر فردی به دلیل علاقه به همسر خود اقدام به تهیه پایان‌نامه برای وی کند، رفتار صورت گرفته خارج از شمول بزه تهیه آثار علمی است؛ زیرا در این حالت قصد انتفاع و حرفه یا شغل بودن رفتار ارتكابی منتفی است.

در میان انگیزه‌های گوناگونی که برای ارتکاب این جرم متصور است، به موجب تصریح صدر ماده واحده، تهیه آثار علمی و هنری در صورتی جرم و قابل مجازات است که مرتکب با «... هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود...» مبادرت به ارتکاب رفتار مجرمانه نموده باشد (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۷). با این توضیح، تقلب در بزه مذکور، تشکیل دهنده‌ی انگیزه مجرمانه مرتکب است. یعنی مرتکب باید با این انگیزه که دیگری اثر علمی یا هنری را به عنوان اثر خود ارائه کند، اثر مذکور را تهیه، عرضه یا واگذار کند. امکان تحقق

وارونگی و قلب حقیقت در این بخش از ماده قانونی متصور است که انگیزهی مجرمانه توسط مرتکب را تشکیل می‌دهد. صرف آگاهی مرتکب به این که دیگری قصد دارد اثر مذکور را به عنوان اثر خود ارائه دهد نیز برای تحقق هدف مذکور کافی است. بنابراین اگر کسی مبلغ قابل توجهی وجه نقد به عنوان اجرت تهیی اثر علمی به مرتکب بپردازد و مرتکب بداند که فرد مذکور قصد دارد آن اثر را به عنوان اثر خود ارائه کند، جرم تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری موضوع ماده واحده قانون مقابله و پیشگیری از تقلب در تهیه آثار علمی، در صورت وجود سایر شرایط قانونی محقق است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

۴,۲. جرم تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی و دارویی و بهداشتی

فرآیند قانونگذاری در قبال تقلب در این دسته از مواد در ایران سابقه دیرینه دارد. قانون بهداشت شهری [۱۳۲۹] و قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی [۱۳۳۴] مؤید این ادعاست. قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی [۱۳۴۶] با اصلاحات بعدی قانونی است که در حال حاضر قابل استناد است که به مراتب نسبت به قوانین سابق، کامل‌تر است. به موجب ماده ۱ قانون اخیرالذکر، شش فقره از اقدامات ممنوعه در حیطه مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی پیشبینی شده و در بند آخر به ساحت مواد تقلبی اشاره شده است، لیکن دقت نظر در عبارات سایر بندهای ۵ گانه، نشان از وجود نوعی تقلب دارد. مواردی چون عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر، فروش و عرضه جنس فاسد، استفاده از اسانس‌های غیرمجاز و... همگی گویای نوعی تقلب است. نقش تقلب به عنوان ابزار تحقق رفتارهای عنوان شده در قالب رکن مادی و علم به وصف تقلبی و غیر قانونی اجناس و مواد موضوع جرم [مانند فاسد بودن اجناس، غیرمجاز بودن اسانس‌ها] و سوءنیت عام [اراده انجام رفتار متقلبانه] در قالب رکن روانی است. بند ۳ ماده یک قانون مواد خوراکی آشامیدنی و بهداشتی با به کار بردن عبارت «عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد»، به تحقق جرم با ترک فعل اشاره دارد (عینی و خضابی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در این حالت، تقلب از طریق ترک فعل قابل تحقق دانسته شده است.

۵,۲. تقلب در آثار فرهنگی - تاریخی

سیاست کیفری ایران، در راستای حمایت از آثار فرهنگی-تاریخی، مقررات سخت‌گیرانه‌ای در نظر گرفته است. (حسینی و رضوی فرد، ۱۴۰۳: ۶۸) قانونگذار در جهت حمایت کیفری از آثار فرهنگی -

تاریخی، در سال ۱۳۸۸ ماده ۵۶۶ مکرر را به بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی اضافه کرد. به موجب این ماده، ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی و خریداری این آثار تقلبی جرم است. منظور از نمونه تقلبی، اشیائی است که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود. بنابراین تقلب و نمایش وارونه از حقیقت در رکن مادی ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی روشن است و به تبعیت از آن، علم به متبانه بودن موضوع و اراده‌ی ساخت نمونه تقلبی این آثار لازم می‌آید. در کنار جرمانگاری خریداری این آثار، معرفی، حمل یا نگهداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی به شرط وجود قصد عرضه، قاچاق یا فروش [به عنوان تشکیل دهنده‌ی سوءنیت خاص] نیز جرم انگاری شده است. در این موارد اگرچه صرف عمل مجرمانه متضمن تحقق تقلب نیست، لیکن به دلیل تقلبی بودن موضوع جرم، از سوی قانونگذار جرم اعلام شده است.

برخی نویسندگان ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی را مانند قلب سکه تابع قواعد جعل می‌دانند و قائل به لزوم سوءنیت خاص یعنی قصد تقلب یا اضرار می‌باشند (پوربافرانی و منصور، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ نظری که با توجه به پذیرش تبعیت قلب سکه از قواعد جعل توسط حقوقدانان، بی‌مبنا نیست.

نتیجه گیری

تقلب در حقوق کیفری به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که مرتکب با هدف نامشروع و با توسل به یک وسیله ظاهراً قانونی و مشروع، خود را از چارچوب و قید قانون رها می‌سازد و در سه محور رفتار، گفتار و اسناد و نوشتجات در سیاست‌گذاری‌های کیفری نقش‌آفرینی می‌کند. در حقوق کیفری ایران، قانونگذار از بزه‌دیدگان تقلب حمایت کرده و گروه خاصی از اقدامات همراه با فریب یا تقلب را با ضمانت اجرای کیفری جرم‌انگاری کرده است. در جرایم متضمن تقلب، مرتکب به منظور گمراه کردن دیگران به وسیله‌ی بازنمایی امر غیر واقعی به جای امر صحیح و واقعی در راستای کسب منفعت مادی، در صدد ایراد خسارت به بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان جرم است. امروزه با توجه به پیشرفت جوامع، ارتکاب جرایم متضمن تقلب [فریب] رو به فزونی نهاده است و شکل و شمایل جدیدی پیدا کرده‌اند. با این حال مفهوم این متغیر در همه جرایم متضمن تقلب [اعم از مالی و غیرمالی]، یکسان نیست. از جمله مهمترین جرایمی که

هسته مرکزی آنها از تقلب تشکیل شده، می‌توان به جرم جعل و تزویر اشاره کرد. در این جرم، تقلب در قالب قلب حقیقت [اعم از حقیقت اولیه و ثانویه] در رکن مادی، و علم به متقلبانه بودن موضوع جرم در رکن روانی این جرم ایفای نقش می‌کند. سوءنیت عام بزه جعل عبارت است از قصد انجام رفتار مجرمانه [قلب حقیقت] همراه با علم به تقلبی بودن آن و منظور از سوءنیت خاص آن است که جاعل علاوه بر قصد قلب حقیقت، قصد ایراد ضرر به دیگری را هم داشته باشد؛ اگرچه به لحاظ شرایط تحقق رکن مادی بزه جعل، ضرر بالفعل دیگری شرط نیست. با پذیرش تبعیت جرایم تهیه و ترویج سکه قلب و تقلب در آثار فرهنگی- تاریخی از قواعد کلی جعل، می‌توان در خصوص نقش تقلب، جایگاهی مشابه تقلب در جعل برای این جرایم در نظر گرفت. در بزه تقلب در تهیه آثار علمی، جایگاه متمایزی برای تقلب توسط قانونگذار در نظر گرفته شده و تقلب در قالب تحقق انگیزهی مجرمانه جهت بزه تحقق مذکور مؤثر است. در سایر جرایمی که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است [اعم از کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع، تقلب در دریافت دسته چک و...]. جایگاه تقلب در تحقق رکن مادی بزه و در قالب علم به موضوع متقلبانه و اراده انجام رفتار متقلبانه در رکن روانی است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که مفهوم تقلب در بزه سرقت متمایز از مفهوم تقلب در جعل و کلاهبرداری و عبارت از عدم رضایت [بنا بر نظر اکثریت] و عدم توجه [بنا بر نظر اقلیت] مالباخته به بردن مال است.

منابع

فارسی

کتابها

۱. اردبیلی، محمدعلی؛ (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران: نشر میزان.
۲. احمدی، عبدالله؛ (۱۳۹۱)، *جرایم تقلبات تجاری- گمرکی*، تهران: نشر میزان.
۳. پاد، ابراهیم؛ (۱۳۸۳)، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۲، چاپ اول، تهران: رهام.
۴. پاد، ابراهیم؛ (۱۳۵۰-۱۳۴۹)، *جرایم علیه اموال و مالکیت (جزوه درسی)*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۷۰)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: نشر گلشن.
۶. حبیب زاده، محمدجعفر؛ (۱۴۰۲ الف)، *حقوق کیفری عمومی*، تهران: نشر میزان.
۷. حبیب زاده، محمدجعفر؛ (۱۴۰۲ ب)، *تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران*، چاپ هشتم، تهران: نشر دادگستر.
۸. حبیب زاده، محمدجعفر؛ (۱۳۹۵)، *حقوق جزای اختصاصی [جرایم علیه اموال]*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۹. حبیب زاده، محمدجعفر؛ (۱۴۰۳)، سرقت در حقوق کیفری ایران، چاپ پنجم، تهران: نشر دادگستر.
۱۰. حبیب زاده، محمدجعفر؛ (۱۴۰۴)، تحلیل جرم جعل و تزویر (جزوه درسی).
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. سالاری، مهدی؛ (۱۳۸۶)، جعل و تزویر، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۳. سیاح، احمد؛ (۱۳۷۷)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، تهران: ناشر: اسلام.
۱۴. عالی پور، حسن؛ (۱۳۹۵)، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۵. عمید، حسن؛ (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، چاپ هجدهم، تهران: امیرکبیر.
۱۶. فضلعلی، محمدهادی؛ (۱۳۹۸)، ورشکستگی به تقصیر و تقلب، تهران: انتشارات قوه قضاییه.
۱۷. قریشی، سید علی اکبر؛ (۱۳۶۱)، قاموس قرآن، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۱۸. کاشانی، محمود؛ (۱۳۵۵)، نظریه تقلب نسبت به قانون، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۱۹. کامفر، بهداد؛ (۱۴۰۰)، دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی، تهران: نشر مهرپویان پویا.
۲۰. گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۹۵)، حقوق حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه تمامیت جسمانی، حیثیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۹۶)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۲۲. گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران: مجد.
۲۳. محقق، محمدباقر؛ (۱۳۹۱)، دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، ج ۵، چاپ دوم، تهران: بعثت.
۲۴. معین، محمد؛ (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، دوره دو جلدی، تهران، انتشارات آدنا، چاپ چهارم.
۲۵. میرمحمدصادقی، حسین؛ (۱۳۹۴)، حقوق کیفری اختصاصی (۲): جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ چهل و ششم.
۲۶. میرمحمدصادقی، حسین؛ (۱۳۹۵)، حقوق کیفری اختصاصی (۳): جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سی و یکم.

مقالات

۲۷. انجم شعاع، محمد مهدی . (۱۴۰۳). واکاوی تشدید مجازات کلاهبرداری کارکنان دولت و نهادهای وابسته. (e720365). دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، (۲)، [doi: 10.22034/jclc.2025.2049535.1139](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049535.1139)
۲۸. آریامنش، بشیر؛ (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی جرم کلاهبرداری در قوانین کیفری ایران و فرانسه، نشریه تعالی حقوق، ۲ (۷): ۵۷-۸۲.
۲۹. آقابابایی، حسین؛ اردلانی، کوروش؛ (۱۴۰۲)، چالش‌های تقنینی و قضایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶، مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۶)، ۲۰۵-۲۳۰.
۳۰. باقرزاده گان، امیر؛ میرزایی، محمد؛ (۱۳۹۲)، اهداف و قلمرو جرم انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع، کارآگاه، ۶ (۲۳): ۷۸-۹۶.
۳۱. پرادل، ژان؛ دانتی جوان، میشل؛ (۱۳۸۵)، مبارزه کیفری با تقلب مالیاتی در حقوق فرانسه، ترجمه علی خالقی، پژوهش‌های حقوقی، ۵(۱۰)، ۲۹۷-۳۰۹.
۳۲. پوربافرانی، حسن؛ حیدریان دولت‌آبادی، جواد؛ بافری قوام‌آبادی، علیرضا؛ (۱۳۹۹). جرم تقلب در تهیه آثار علمی، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۷(۲۰): ۵۹-۸۰.
۳۳. پوربافرانی، حسن؛ منصوری، حیدر؛ (۱۳۹۱)، تحلیل جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی و جرائم وابسته، فصلنامه حقوق، ۴۲(۴): ۷۹-۹۵.

۳۴. پورقهرمان، بابک؛ (۱۳۸۹)، سرقت رایانه‌ای، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲ (۵): ۲۵-۳.
۳۵. ترکی، غلامعباس؛ (۱۳۹۴)، تقلب در حقوق کیفری ایران، نشریه دادرسی مهر، ۱۹ (۱۱۲): ۸-۳.
۳۶. جعفری ولنی، علی اصغر؛ (۱۳۹۴)، استاد مطهری و ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره)، اندیشه علامه طباطبایی، ۲ (۲): ۷۳-۹۸.
۳۷. حبیب زاده، محمدجعفر و همکاران؛ (۱۳۹۵)، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و رویه قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰ (۲): ۳۴-۱.
۳۸. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ جعفری ندوشن، بداله؛ (۱۳۹۸)، اهم چالش‌ها و بایسته‌های تقنین در جرم جعل، نشریه حقوق اسلامی، ۱۶ (۶۰): ۶۲-۴۱.
۳۹. حسینی، سجاد و رضوی فرد، بهزاد. (۱۴۰۳). پیشگیری کنشی از جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی با رویکرد علت‌شناسی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱(۱)، ۶۶-۱۰۱. [doi: 10.22034/jclc.2024.718663](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718663)
۴۰. رحمدل، منصور؛ (۱۳۸۳)، ورشکستگی به تقلب، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۳ (۶): ۱۵۵-۱۷۳.
۴۱. رحمدل، منصور؛ (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی تحصیل مال نامشروع و تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلام و غرب، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴ (۳): ۶۷-۹۲.
۴۲. زین‌الدینی نیا، مرضیه؛ روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۹۵)، تبیین مفهوم جرم کلاهبرداری در حقوق ایران، نشریه مطالعات حقوقی، ۱ (۷): ۱۳۹-۱۵۲.
۴۳. شاکری، ابوالحسن؛ رضایی سراجی، زهرا؛ (۱۳۹۳)، تقلب در جعل اسناد، تحقیقات حقوقی، ۱۷ (۶۵): ۱۶۱-۱۸۵.
۴۴. شیخ‌الاسلامی، سید محسن؛ (۱۳۸۰)، تقلب نسبت به قانون در حقوق بین‌الملل خصوصی، پژوهش حقوق عمومی، ۳ (۴): ۱۱-۲۳.
۴۵. عینی، محسن؛ خضایی خسرقی، محمدرضا؛ (۱۳۹۶)، بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال بزه تقلب در مواد خوردنی، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۰ (۳۸): ۱۳۵-۱۶۷.
۴۶. فروتن، مصطفی؛ اکبری، حسین؛ (۱۳۹۷)، تحصیل مال از طریق نامشروع از منظر حقوق جزای اختصاصی و حقوق جزای عمومی، نشریه تمدن حقوقی، ۱ (۱): ۱-۱۱.
۴۷. فره‌بخش، مجتبی؛ (۱۳۸۸)، تأملی در رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال به طریق نامشروع، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹ (۲): ۲۸۳-۳۰۰.
۴۸. قناد، فاطمه؛ (۱۳۹۰)، جعل در بستر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۸ (۲): ۱۳۵-۱۶۸.
۴۹. کاظمی فروشانی، حسین؛ قدیر، محسن؛ (۱۳۹۹)، بایسته‌های نظری تقلب نسبت به قانون از منظر حقوق ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۶ (۳): ۸۵-۶۷.
۵۰. مصلایی، علی رضا. (۱۳۹۱)، عدم شمول مرور زمان در جعل و تزویر، نشریه تعالی حقوق، ۴ (۱۶ و ۱۷): ۳۰۳-۳۲۵.
۵۱. منصور بستانی، محمد جواد؛ (۱۴۰۱)، آثار جرم جعل رایانه‌ای در حقوق ایران و فرانسه، نشریه فقه، حقوق و علوم جزا، ۷ (۲۴): ۱۱۲-۱۲۵.
۵۲. نادری، نیلوفر؛ آزادی، غزل؛ (۱۴۰۱)، مطالعه تطبیقی جرم جعل اسناد رسمی و عادی در حقوق ایران و ترکیه، نشریه مطالعات حقوقی، ۲۰ (۲۴): ۴۱۷-۴۳۲.
۵۳. ناصری‌پور، احمد؛ (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی جرم جعل اسناد در قانون ایران و آلمان، نشریه پژوهش ملل، ۵ (۵۴): ۱۳۳-۱۴۶.

٥٤. وزيرى، مجيد؛ ارشاد حسيني، حجت؛ (١٣٩٦)، بررسى احكام فقهي و حقوقى سرقت رايانه‌اي، نشریه معرفت، ٢٦ (٢): ٥٧-٧٢.

عربي

کتابها

٥٥. ابن فارس، احمد؛ (١٣٦٦ ق)، معجم مقاييس اللغة، قاهره: دارالحياء الكتب العربيه.
٥٦. أبوخطوة، احمد شوقي عمر؛ (١٩٩٤)، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، القاهرة: دارالنهضة العربية.
٥٧. أبوحيب، سعدى؛ (١٤٠٢)، القاموس الفقهي، دمشق: دارالفكر.
٥٨. أبوعامر، محمدزكى؛ القهوجي، عبدالقادر؛ (بى تا)، القانون الجنائي، القسم الخاص، بيروت: الدارالجامعية.
٥٩. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد؛ (بى تا)، المفردات فى غريب القرآن، بى جا: مكتبة نزار مصطفى الباز.
٦٠. شيخ طوسى؛ (١٣٤٣)، النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
٦١. طريحي، شيخ فخرالدين؛ (١٤١٤)، مجمع البحرين و مطلع النيرين، ج ٣، بيروت: مؤسسه البعثه، چاپ اول.
٦٢. عبدالملك، جندى؛ (بى تا)، الموسوعه الجنائيه، بيروت: داراحياء التراث العربى.
٦٣. عبدالستار، فوزيه؛ (١٩٨٢)، القسم الخاص فى قانون العقوبات، بيروت: دارالنهضة العربية.
٦٤. مأمون، سلامه؛ الشناوى، محمد؛ (٢٠٠٧)، جرائم الإنترنت و بطاقات الإئتمان والجريمه المنظمه، القاهرة: دارالكتب الحديث.
٦٥. معلوف، لوييس؛ (١٣٦٤)، المنجد فى اللغة و الاعلام، تهران: انتشارات اسماعيليان.
٦٦. ميرزاى قمى، ابوالقاسم؛ (١٤١٣ ق)، جامع الاشتات فى اجوبه السؤالات، تهران: نشر كيهان، چاپ اول.
٦٧. نجيب حسنى، محمود؛ (١٩٩٢)، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، قاهره، دارالنهضة العربيه.
٦٨. نجيب حسنى، محمود؛ (١٩٨٤)، جرائم الاعتداء على الاموال فى قانون العقوبات اللباني، بيروت: دارالنهضة العربية.
٦٩. هليل، فرج علوانى؛ (١٩٩٣)، جرائم التنزييف والتزوير، الإسكندرية: دارالمطبوعات الجامعية.

انگليسى

Book

70. Black, H. C; (1968), Black's Law Dictionary, Eagan: West Publishing.
71. Elliot, Catherine & Quinn, Frances; (2010), Criminal law, Eighth edition, London: Harlow.
72. Hampton, C; (1968), Criminal Law and Procedure, London: Sweet & Maxwell.
73. Jacqueline, Martin & Storey, Tony; (2013), Unlocking criminal law, Forth Edition, London: Routledge

Articles

74. Abdul Hadi, K. A. and Paino, Halil; (2016), Legal Perspectives Towards Forgery ,Fraud And Falsification Of Documents: Recent Development, Malaysian Accounting Review, 15 (2): 93-109.
75. Brenner, Susan W; (2001), Is There Such a Thing as 'Virtual Crime?', California Criminal Law Review, 4 (1). Electronic copy available at: <https://ssrn.com/abstract=1611839>.
76. Buell, Samuel W; (2006), Novel Criminal Fraud, New York University Law Review, 81 (6): 1971-2043.
77. Collins, J; (2024), Why Fraud Prevention is Relevant to Criminal Law Theorists, Modern Criminal Law:Essays in Honour of GR Sullivan, 1(1): 265-276.
78. Dobrila,Mirela Carmen; (2013), Deception Offences: Psycho-behavioural Profiling of Offenders, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 92: 270-274.

79. Dülger, İbrahim; (2014), Theft Crime in Turkish Criminal Law: An Overview, *Annales de la Faculté de Droit d'Istanbul*, 46 (63): 63-69.
80. Mustafa Razzaq, Hussein;(2023), Deceptive Fraud from the Perspective of Criminal Law: *Migration Letters*, 20(3): 1295-1304.
81. Podgor, Ellen S; (1999), Criminal Fraud, *American University Law Review*, 48 (4): 729-768.

برگردان منابع فارسی به انگلیسی

کتاب

- Ahmadi, A. (2012). *Crimes of the (Customs-Trade) Frauds*. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Alipour, H. (2016). *Information Technology Criminal Law*. Tehran: Khorsandi Publishing. (In Persian)
- Amid, H. (1978). *Amid Persian Dictionary*, Vol. 1, 18th Edition. Tehran: Amir Kabir Publishing. (In Persian)
- Ardabili, Mohammad Ali. (2014). *General Criminal Law*, Vol. 2. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Dekhoda, A. (1994). *Dekhoda Dictionary*, Vol. 5. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Fazlali, M. H. (2019). *Bankruptcy by Fault and Fraud*. Tehran: Judiciary Publications. (In Persian)
- Fazlali, M. H. (2019). *Culpable or Fraudulent bankruptcy*. Tehran: Judiciary Publications. (In Persian)
- Goldouzian, I. (2014). *Annotated Penal Code*, 2nd Edition. Tehran: Majd Publishing. (In Persian)
- Goldouzian, I. (2016). *Special Criminal Law: Crimes Against Bodily Integrity, Moral Dignity, Property and Ownership, Public Security and Order*. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Goldouzian, I. (2017). *Essentials of Special Criminal Law*, 4th Edition. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2016a). *Special Criminal Law [Crimes Against Property]*. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2023a). *General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2023b). *Analysis of Fraud and Breach of Trust Crimes in Iranian Criminal Law*, 8th Edition. Tehran: Dadgostar Publishing. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2023b). *Analysis of Fraud and Breach of Trust Crimes in Iranian Criminal Law*, 8th Edition. Tehran: Dadgostar Publishing. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2024). *Theft in Iranian Criminal Law*, 5th Edition. Tehran: Dadgostar Publishing. (In Persian)
- Habibzadeh, M. J. (2025). *Analysis of Forgery and Counterfeiting Crimes (Lecture Notes)*. (In Persian)
- Jafari Langeroudi, M. J. (1991). *Legal Terminology*. Tehran: Golshan Publishing. (In Persian)
- Kamfar, B. (2021). *Advanced Course in General and Special Criminal Law*. Tehran: Mehrpouyan Pouya Publishing. (In Persian)
- Kashani, M. (1976). *Theory of Fraud Against the Law*. Tehran: National University of Iran Press. (In Persian)
- Mirmohammadsadeghi, H. (2015). *Special Criminal Law (II): Crimes Against Property and Ownership*, 46th Edition. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Mirmohammadsadeghi, H. (2016). *Special Criminal Law (III): Crimes Against Public Security and Order*, 31st Edition. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)

- Moein, M. (2002). Persian Dictionary, 2 Volumes, 4th Edition. Tehran: Adena Publishing. (In Persian)
- Mohaqeq, M. B. (2012). Da'erat al-Faraed in Quranic Culture, Vol. 5, 2nd Edition. Tehran: Basat. (In Persian)
- Pad, E. (1971–1972). Crimes Against Property and Ownership (Lecture Notes). Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. (In Persian)
- Pad, E. (2004). Special Criminal Law, Vol. 2, First Edition. Tehran: Raham. (In Persian)
- Qureshi, S. A. (1982). Quranic Encyclopedia (Qamus al-Quran), Vol. 2. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. (In Persian)
- Salari, M. (2007). Forgery and Counterfeiting. First Edition. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Sayyah, A. (1998). Comprehensive Modern Persian Dictionary, Vol. 1. Tehran: Islam Publishing. (In Persian)

مقاله

- Anjom Shoa, M. M. (2025). Examining the Aggravation of Punishment for Fraud Committed by Government Employees and Affiliated Institutions. (e720365). *Research and development in criminal law and criminology*, 1(2), doi: [10.22034/jclc.2025.2049535.1139](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049535.1139) (In Persian)
- Aryamanesh, B. (2010). A Comparative Study of the Crime of Fraud in Iranian and French Criminal Laws. *Journal of Culmination of Law*, 2(7), 57–82. (In Persian)
- Aghababai, H. and Ardalani, K. (2023). Legislative and judicial challenges of the Law on Prevention and Combating Fraud in the producing of Scientific Works approved in 2016. *Majlis and Rahbord*, 30(116), 205-230. doi: 10.22034/mr.2022.5247.5017 (In Persian)
- Baghirzadegan, A., & Mirzaei, M. (2013). The Objectives and Scope of Criminalization of Unlawful Acquisition of Property. *Karagah*, 6(23), 78–96. (In Persian)
- Pradel, J., & Danti-Jovan, M. (2006). *Criminal Combat Against Tax Fraud in French Law* (A. Khaleghi, Trans.). *Legal Studies*, 5(10), 297–309. (In Persian)
- Poorbaferani, H., heydariandolatabadi, M. and Bagheri Ghavamabadi, A. (2021). The Fraud Offense in Ordering the Scientific Works. *Criminal Law Doctrines*, 17(20), 59-80. doi: 10.30513/cld.2021.555.1099 (In Persian)
- Poorbafrani, H. and Mansoori, H. (2013). AN Analysys for Crime of Making Fake Cases of Historical-Cultural Monuments and Related Crimes. *Law Quarterly*, 42(4), 79-95. doi: 10.22059/jlq.2013.31995 (In Persian)
- Pourghahraman, B. (2010). Computer Theft. *Fiqh and Fundamentals of Islamic Law*, 2(5), 3-25. (In Persian)
- Torkei, Gh. (2015). Fraud in Iranian Criminal Law. *Meher Judicial Journal*, 19(112), 3-8. (In Persian)
- Jafari Valani, A. A. (2015). Motahari and the Epistemic Perceptions of Allameh Tabataba'i (RA). *Andisheh-ye Allameh Tabataba'i*, 2(2), 73-98. (In Persian)
- Aghalare S. S., Habibzade M. J., Farajiha M., Saber M. (2016) Dialogue of Iraninan Criminal Policy Legislator and judicial procedure against Illegal Acquisition of Property: With a Comparative Approach on Criminal Policy Dialogue in Article 20 of the United Nations Convention against Corruption. *CLR*; 20 (2), 1-34. (In Persian)
- haji, A. and jafari, Y. (2019). Major Challenges and Constraints of Legitimacy in Counterfeit Crime. *Islamic Law*, 16(60), 39-61. (In Persian)
- Rahmdel, M. (2004). Bankruptcy Fraud. *Journal of Legal Research*, 3(6), 155-173. (In Persian)
- Rahmdel, M. (2017). A Comparative Study of Obtaining Illegal Property and Illegal Obtaining of the Property in Islamic and Western Law. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 4(3), 67-92. doi: 10.22091/csiw.2018.2080.1209 (In Persian)
- Zinoddini Nia, M.; Rouh-al-Amini, M. (2016). Explaining the Concept of Fraud Crime in Iranian Law. *Journal of Legal Studies*, 1(7), 139-152. (In Persian)

- Shakeri, A. (2014). Fraud in forging documents. *Legal Research Quarterly*, 17(65), 161-186. (In Persian)
- Shekholeslami, M. (2001). Fraud than the Law on International Private Law. *Public Law Research*, 3(4), 11-23. (In Persian)
- Eyni, M. Khazabi Khosravi, M.R. (2017). Examining Iran's Legislative Criminal Policy Regarding Fraud in Food Products. *Iranian and International Comparative Legal Studies*, 10(38), 135-167. (In Persian)
- Foroutan, M. and Akbari, H. (2019). Illegally Property Acquisition in the Perspective of Specific Criminal Law and Public Criminal Law. *Fares Law Research*, 1(1), 131-147. (In Persian)
- Farahbakhsh, M. (2009). Considering Actus Reus of Fraud and Obtaining Illegal Property. *Law Quarterly*, 39(2), 283-300. (In Persian)
- Ghanad, F. (2011). Forgery in the Context of Information and Communication Technologies. *Criminal Law Doctrines*, 8(2), 63-88. (In Persian)
- Kazemi Foroshani, H.; Ghadir, M. (2020). Theoretical Requirements of Fraud Against the Law from the Perspective of Iranian Law. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*, 16(3), 67-85. (In Persian)
- Mosallaei, A.R. (2012). Non-Applicability of Statute of Limitations in Forgery and Falsification. *Journal of Culmination of Law*, 4(16&17), 303-325. (In Persian)
- Mansour Bostani, M.J. (2022). The Effects of Computer Forgery Crime in Iranian and French Law. *Journal of Jurisprudence, Law, and Criminal Sciences*, 7(24), 112-125. (In Persian)
- Naderi, N.; Azadi, G. (2022). A Comparative Study of the Crime of Forgery of Official and Private Documents in Iranian and Turkish Law. *Journal of Legal Studies*, 20(24), 417-432. (In Persian)
- Naseri-Pour, A. (2020). A Comparative Study of Document Forgery Crime in Iranian and German Law. *International Journal of Nations Research*, 5(54), 133-146. (In Persian)
- Vaziri, M.; Ershad Hosseini, H. (2017). Examining Jurisprudential and Legal Rulings on Computer Theft. *Ma'arafat Journal*, 26(2), 57-72. (In Persian)
- Hosini, S. and Razavifard, B. (2024). Proactive Prevention of the Crime of Destruction of Historical and Cultural Monuments: An Etiological Approach. Research and development in criminal law and criminology, 1(1), 66-101. [doi: 10.22034/jclc.2024.718663](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718663) (In Persian)

برگردان منابع عربی به انگلیسی

- Abdul Malik, J. (n.d.). *Encyclopedia of Criminal Law*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Abdul Sattar, F. (1982). *Special Part in the Penal Code*. Beirut: Dar al-Nahda al-'Arabiyya. (In Arabic)
- Abu 'Amer, M.; Al-Qahouji, A. Q. (n.d.). *Criminal Law: Special Part*. Beirut: Al-Dar al-Jami'iyya. (In Arabic)
- Abu Habib, S. (2023). *The Jurisprudential Dictionary*. Damascus: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Abu Khatwa, A. Sh. 'Omar. (1994). *Commentary on the Penal Code: Special Part*. Cairo: Dar al-Nahda al-'Arabiyya. (In Arabic)
- Halil, F. A. (1993). *Crimes of Falsification and Forgery*. Alexandria: Dar al-Matbou'at al-Jami'iyya. (In Arabic)
- Ibn Fares, A. (AH 1366). *Dictionary of the Language Scales*. Cairo: Dar al-Haya' al-Kutub al-'Arabiyya. (In Arabic)
- Maalouf, L. (1985 [1364 SH]). *The Comprehensive Dictionary of Language and Names*. Tehran: Esmaeilian Publications. (In Arabic)
- Mamoun, S.; Al-Shanawi, M. (2007). *Internet Crimes, Credit Cards, and Organized Crime*. Cairo: Dar al-Kutub al-Hadith. (In Arabic)

- Mirza'i Qomi, A. Q. (1994 [1413 AH]). *Comprehensive Answers to Questions*. Tehran: Kayhan Publications, 1st ed. (In Arabic)
- Najib Hosni, M. (1984). *Property Crimes in Lebanese Penal Law*. Beirut: Dar al-Nahda al-'Arabiyya. (In Arabic)
- Najib Hosni, M. (1992). *Commentary on the Penal Code: Special Part*. Cairo: Dar al-Nahda al-'Arabiyya. (In Arabic)
- Raghīb Isfahānī, A. Q. H. bin M. (n.d.). *Key Terms in the Quran*. [Place unknown]: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. (In Arabic)
- Sheikh Tusi. (1964 [1343 SH]). *The End in Jurisprudence and Legal Opinions*. Tehran: University of Tehran Press. (In Arabic)
- Tarihi, Sheikh Fakhr al-Din. (1995 [1414 AH]). *Collection of the Two Seas and the Rise of the Two Luminaries*, Vol. 3. Beirut: Al-Ba'tha Institute, 1st ed. (In Arabic)

The position of fraud in the analysis of crimes involving deception

Abstract

Fraud is a set of acts and statements that play a role in both the material and mental elements of fraud-related crimes. In the Iranian criminal justice system, fraud plays a fundamental role in many financial and non-financial crimes (such as fraud, forgery, theft, fraudulent bankruptcy, unlawful acquisition of property, and fraud in the preparation of academic works). These offenses can be referred to as fraud-related crimes. Fraudulent conduct includes actions aimed at misleading the victim by presenting a false or deceptive matter as a true one, with the purpose of obtaining an unfair material benefit for oneself or another and causing harm to the victim. Fraud does not serve the same function in all fraud-related crimes. In this research, using a descriptive-analytical method and after analyzing and reviewing information collected from library sources, the place and role of fraud [deception or trickery] in the material and mental elements of fraud-related crimes have been examined, with the central question of what role this component plays in these elements. According to the findings, in the crimes of forgery, the preparation and circulation of counterfeit coins, and fraud in cultural-historical works, fraud operates in the form of falsification of truth in the material element, and in the form of knowledge of the fraudulent nature of the criminal act in the mental element. In fraud (swindling), fraud within the material element—through fraudulent maneuvers and deception of the victim—is the main condition for the realization of the offense. Within the material element of the crime of unlawful acquisition of property, fraud is realized through the misuse of privileges or the illegal distribution of goods. In the offense of fraud in the preparation of academic works, fraud appears as a criminal motive. In other crimes addressed in this study, fraud, in addition to its role in realizing the material element of the respective offense, plays a role in the mental element in the form of knowledge of the fraudulent subject matter and the intent to commit fraudulent conduct.

Key Words: Fraud, Offences Involving Deception, To distort the Truth, Deceptive Maneuver